

آزادی حیوانات

Singer, Peter

سرشناسه: سینگر، پیتر، ۱۹۴۶-م.

عنوان و نام پدیدآور: آزادی حیوانات/ پیتر سینگر؛ ترجمه و افزوده‌ها بهنام خداپناه.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۴۸۸ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۲۴-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Animal liberation.

موضوع: حمایت حیوان‌ها

موضوع: Animal welfare

موضوع: حقوق حیوان‌ها

موضوع: Animal rights

موضوع: گیاهخواری

موضوع: Vegetarianism

شناسه افزوده: خداپناه، بهنام، مترجم

رده‌بندی کنگره: HV ۴۷۰۸/س۹۴۴ ۱۳۹۶

رده‌بندی دیویی: ۱۷۹/۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۴۵۵۸۲

آزادی حیوانات

پیتر سینگر

ترجمه و افزوده‌ها
بهنام خداپناه



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Animal Liberation

Peter Singer

HarperCollins, 2002



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

پیتر سینگر

آزادی حیوانات

ترجمه و افزوده‌ها: بهنام خداپناه

چاپ اول

۹۹۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰ - ۳۲۴ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 324 - 0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۵۰۰۰ تومان

تقدیم به ریچارد و ماری، راس و استن و خصوصاً رناتا
این نسخهٔ بازبینی شده تقدیم به همهٔ شما که زندگی تان را به
منظور نزدیک‌تر ساختن آزادی حیوانات تغییر داده‌اید. شما
باور به این امر را ممکن ساخته‌اید که نیروی استدلال اخلاقی
می‌تواند بر نفع شخصی گونه‌هایمان چیره گردد.

مؤلف

تقدیم به میلیاردها، و درست‌تر هزاران میلیارد، حیوانی که به
انحای مختلف آزارشان می‌دهیم، می‌کشیمشان، با
فراورده‌هایشان بُز می‌دهیم و سرانجام به گفتگو دربارهٔ صلح و
حقوق بشر می‌نشینیم، و تقدیم به خانوادهٔ مهربانم.

مترجم

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	ضرورت طرح «حقوق حیوانات»
۱۳	گرایش‌های اصلی در زمینه حقوق حیوانات
۱۹	وضعیت حقوق حیوانات در ایران
۲۴	حیوان‌آزاری‌های ما
۳۵	چگونه منشأ اثر می‌شویم؟
۳۷	درباره نویسنده
۴۰	درباره ترجمه
۴۵	پیشگفتار نویسنده به مناسبت ترجمه فارسی کتاب
۴۹	مقدمه (به قلم یووال نوح هرازی)
۵۹	پیشگفتار نویسنده به مناسبت چهلمین سالگرد انتشار کتاب
۶۵	پیشگفتارها
۹۱	۱. همه حیوانات برابرند
۱۲۳	۲. ابزارهای پژوهش
۲۲۷	۳. درون دآمداری صنعتی
۳۲۳	۴. گیاهخواری

- ۳۶۱ ۵. سلطهٔ انسان... ..
- ۳۶۳ تفکر پیشامسیحی
- ۳۶۷ تفکر مسیحی
- ۳۸۳ دورهٔ روشنگری و پس از آن
- ۴۰۱ ۶. گونه‌پرستی در جهان معاصر... ..
- ۴۵۳ پیوست: منابع برای مطالعات بیشتر
- ۴۵۹ قدردانی
- ۴۶۳ تصاویر
- ۴۷۳ نمایه

مقدمه مترجم

هر دو دور یک میز نشسته بودند؛ خانمی و آقای. کافه یا به گمانم کافه رستورانی بود در یکی از خیابان‌های نسبتاً مشهور پایتخت. خانم ژله‌بستنی می‌خورد و آقا کافه‌گلاسه. خانم که آرایش نسبتاً غلیظی داشت، کیف و کفش‌هایش به یک رنگ بودند و به اصطلاح ست کرده بود. آبی یا به گمانم سرمه‌ای بودند. کلی هزینه‌شان کرده بود. از جنس چرم مرغوب بودند. پالتویی هم به تن داشت که آن هم به همین صورت از چرم حیوانی بود. و اما آقا؛ کت و شلواری شیک و گرانبیست به تن داشت، کفش‌های چرمی که برقشان چشم را می‌زد. بحث می‌کردند. خانم ظاهراً آن‌گونه که ادعا می‌کرد فمینیستی^۱ بود که هدفش احقاقِ حقوق پایمال‌شده خانم‌ها بود، و آقا هم ظاهراً وکیلی بود که هدف خود را احقاقِ حقوق انسان‌ها می‌دانست.

این وضع دست‌کم اکثر ما تحصیل‌کرده‌هاست. در حالی که خواسته یا ناخواسته به وجود رویه‌هایی یاری می‌رسانیم که به ناحقی‌ها دامن زده، دربارهٔ حق و احقاقِ حق سخن می‌گوییم. به شکلی خودخواهانه برای زیبا کردنِ خود از لوازم آرایشی استفاده می‌کنیم که به قیمت وارد ساختن بیشترین دردها و رنج‌ها، به منظور تضمین صحت و سلامتِ این لوازم برای خودمان، بر حیوانات بی‌گناه به دست آمده‌اند، از لذتِ خوراکی بهره می‌بریم که در ذره‌ذره‌اش درد و نالهٔ حیوانی رنجور نهفته است، کفش و پوشاکی به تن می‌کنیم که در پس زیبایی،

1. feminist

استحکامِ ظاهری و گرمای آن، بدنِ زخم‌خورده، رنجور و سردِ حیوانی بوده است که روزی متحمل بدترین و شنیع‌ترین رفتارها از ناحیهٔ ما انسان‌ها شده، و در چنین شرایطی می‌نشینیم و با فخر و مباهات بادی به غَبَب می‌اندازیم و از ناحقی‌ها شکوه و شکایت می‌کنیم.

به‌راستی چگونه چنین چیزی ممکن است؟ چگونه امکان دارد زمانی که خود ما، در بدترین شکلِ ممکن، و تنها برای ارضای لذت‌های خودخواهانه و زودگذرمان، حقوقِ گسترهٔ عظیمی از موجوداتِ حساس را زیر پا می‌گذاریم بنشینیم و دربارهٔ احقاقِ حق سخن بگوییم؟ زمانی که خود ما ناقضانِ حق این گسترهٔ عظیمِ جانوران محسوب می‌شویم چگونه ممکن است انتظار برآورده شدنِ حقوقِ خود را داشته باشیم؟ زمانی سهراب سپهری در پاسخ به انتقادات احمد شاملو از او مبنی بر این‌که، «سر آدم‌های بی‌گناهی را لبِ جوب می‌برند و من دو قدم پایین‌تر بایستم و توصیه کنم که 'آب را گل نکنید.'^۱ تصورم این بود که یکی مان از مرحله پرت بودیم...» چنین گفته بود: «انسانی که نگران آب خوردن یک کیبوتر نباشد، همان انسان به‌راحتی آدم می‌کُشد.» و این حرفِ سهراب دقیقاً ناظر به همین مطلب است.^۲ چگونه می‌توانیم به‌رغم شواهدِ علمی بسیار^۳ مبنی بر احساس درد و لذت برای گونه‌های دیگر، درد و رنجی را که بر این گسترهٔ عظیمِ موجودات وارد می‌سازیم نادیده بگیریم، تنها خود را واجدِ چنین احساساتی بینگاریم، و حیوانات را به روبات‌های خودکاری تشبیه کنیم که از احساساتِ درد و لذت تهی‌اند و تنها غایتِ وجودی‌شان ارضای امیالِ پایان‌ناپذیرِ ما انسان‌هاست؟ چرا ما انسان‌های (ظاهراً) متمدن در رفتارمان با حیوانات تا این اندازه نامتمدن و بدوی هستیم؟

۱. آب را گل نکنیم: در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب/ یا که در بیشهٔ دور، سیره‌ای پر می‌شوید/ یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد... (کتاب حجم سبز).

۲. و مشخص نیست که چگونه آن دسته از اشعارِ سهراب که ناظر به مهربانی و عطوفت با حیوانات هستند عاری از دغدغه‌های انسانی و اجتماعی هستند اما اشعارِ شاملو، خصوصاً آن دسته از اشعارِ عاشقانهٔ او برای همسرش، از این دغدغه‌ها مملو و سرشارند!

۳. دربارهٔ شواهد جهت تأیید احساس درد در حیوانات بنگرید به فصل اول کتاب.

ضرورت طرح «حقوق حیوانات»

ما انسان‌ها تقریباً همواره در حال خوردنیم. حتی زمانی که چیزی هم نمی‌خوریم در حال فکر کردن و تدارک دیدنِ وعده غذایی بعدی مان هستیم. صبح که از خواب بیدار شدیم و صبحانه مان را خوردیم، به این فکر می‌کنیم که برای وعده (های) بعدی غذایی مان در آن روز (یا حتی روزهای بعد) چه تدارک ببینیم. معمول‌ترین شیوه برخورد ما با حیوانات نیز بر همین اساس مشخص می‌شود، یعنی نگاه به آن‌ها به مثابه ماشین‌های تولید غذا. با فرض دست‌کم سه وعده غذایی، صبحانه و ناهار و شام، و با فرض این‌که همواره یا در حال خوردنیم یا در حال تدارک دیدنِ وعده غذایی مان، و با فرض این‌که تقریباً در همه وعده‌های غذایی مان فرآورده‌ای حیوانی وجود دارد، ما به حیوانات بسیار وابسته‌ایم. آن‌ها برای ما هیچ نیستند مگر منابع تولید پروتئین که به خودی خود هیچ ارزشی ندارند مگر برآورده ساختن میل سیری‌ناپذیرمان به خوردن.

اما استفاده ما از حیوانات منحصر به خوردن نیست. شوان مانسون^۱ در مستند رقت‌انگیز و تأثیرگذار خود با عنوان ساکنان زمین^۲ که دیدن آن به هر انسان صاحب درد و وجدانی اکیداً توصیه می‌شود، شیوه‌های استفاده ما از حیوانات را به چند دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به استفاده مان از حیوانات برای خوراک، پوشاک، سرگرمی، آزمایش برای مقاصد گوناگون پزشکی، آرایشی-بهداشتی، نظامی و ... اشاره کرد.^۳ وجه مشترک همه استفاده‌هایی که از این طیف گسترده از موجودات به عمل می‌آوریم یک چیز است: «منبع». ^۴ حیوانات برای ما منابعی هستند از برای سرگرمی، تهیه خوراک، پوشاک، انجام دادن آزمایش برای مقاصد گوناگون.

1. Shuan Manson 2. *Earthlings*

۳. پیتر سینگر درباره این مستند گفته است: «اگر می‌توانستم کاری کنم که هر کسی در جهان یک فیلم ببیند، فیلم ساکنان زمین بود.» و تام ریگان فیلسوف آمریکایی و از مدافعان حقوق حیوانات نیز درباره این مستند گفته است: «برای کسانی که ساکنان زمین را ببینند، جهان هرگز مثل سابق نخواهد بود.» در این خصوص بنگرید به:

<http://www.nationearth.com/earthlings-1/> 4. resource

مارتین هایدگر،^۱ فیلسوف آلمانی، پیش از این، زمانه مدرن را زمانه‌ای توصیف کرده بود که در آن هر چیزی به عنوان «منبع» (Bestand) صرف ظاهر می‌شود. و این توصیف او قطعاً در مورد نگاه ما به حیوانات نیز صادق است. هایدگر همین نگاه به موجودات را عامل خشونت با آنان می‌داند که بر اساس آن زمانی که «گِشْتیل» (Gestell)، که می‌تواند «در قاب یا چهارچوب نهادن»^۲ ترجمه شود، چیره شود، هر امکان دیگری از آشکارسازی را به بیرون می‌راند. بالاتر از همه این‌که گِشْتیل، آشکارگی‌ای (به معنای پوئیسیس) را که اجازه می‌دهد آنچه حاضر می‌شود به منصفه ظهور برسد می‌پوشاند.^۳

به عبارت دیگر، زمانی که ما حیوانات را تنها به مثابه منابع و ابزاری جهت برآورده ساختن اهداف مختلف خود لحاظ کنیم، از در نظر گرفتن آن‌ها «به‌خودی‌خود» درمی‌مانیم و چنین است که «خشونت» همچون نتیجه گریزناپذیر این دیدگاه سر بر می‌آورد. به تعبیر هایدگر، این‌گونه است که ما به دام متافیزیک، به معنای مطلق ساختن یک دیدگاه در مورد موجودات، می‌افتیم.

ضرورتِ طرح «حقوق حیوانات» زمانی مطرح می‌شود که ما این نگاه شیء‌وارانه را به دور افکنیم و حیوانات را به‌خودی‌خود و به‌مثابه موجوداتی صاحب‌درد لحاظ کنیم. درد کشیدن یا درد نکشیدن موجودی به چشم‌انداز، دیدگاه یا گفتمان ما وابسته نیست که در صورتی که آن را اتخاذ نکنیم درد برای آن موجود منتفی گردد. ما چه به این موضوع ملتفت باشیم چه نه، آن موجود در صورت وارد شدنِ دردی بر او، درد خواهد کشید. درد کشیدن واقعیتی است سوای بودن یا نبودن ما. نادیده گرفتن درد موجودی از ناحیه ما نادیده گرفتن یک واقعیت است؛ واقعیتی که قرن‌هاست ما انسان‌ها آن را نادیده گرفته‌ایم و همچنان هم نادیده می‌گیریم.

۱. Martin Heidegger: (۱۸۸۹-۱۹۷۶) فیلسوف آلمانی قرن بیستم که در حوزه پدیدار-شناسی، هستی‌شناسی و اگزیستانسیالیسم بسیار تأثیرگذار بود. -م.

2. framing up

۳. جولیان یانگ، هایدگر و اسپین، ترجمه بهنام خداپناه (تهران: حکمت، ۱۳۹۴)، ص ۹۰.

گرایش‌های اصلی در زمینه حقوق حیوانات

نظریه معاصر حقوق حیوانات شامل دو رویکرد اصلی است که، به اختصار، یکی بر نظریه حقوق طبیعی^۱ و دیگری بر فایده‌باوری^۲ مبتنی است. نظریه پرداز موضع حقوق طبیعی تام ریگان است که در اثر خود با عنوان دفاع از حقوق حیوانات^۳ استدلال می‌کند که حیوانات – خصوصاً پستانداران بالغ – موجوداتی اخلاقی اند که همچون انسان‌ها حقوق جدایی‌ناپذیر مشخصی دارند. ریگان دفاع خود را عمدتاً بر رد کانت مبتنی می‌سازد که در صورت‌بندی ثانویه^۴ امر مطلق^۴ تصریح کرده بود به این‌که «انسان و عموماً هر موجود عاقلی به مثابه غایتی فی‌نفسه، و نه صرفاً به مثابه یک وسیله، وجود دارد» و این‌که موجودات عاقل واجد «ارزش مطلق»^۵ هستند، و از این رو مستحق رفتار به مثابه غایت. کانت و متفکران دوره روشنگری انسان‌ها را بر اساس عقلانیتشان به منزله فاعل‌های اخلاقی و از این رو مستحق آن‌چنان حقوق طبیعی‌ای تشخیص می‌دهند که باید با آن‌ها به مثابه غایت رفتار شود. ریگان در طرح دفاعیه خود برای حقوق حیوانات، مقوله آن دسته از کسانی را که واجد ارزش مطلق یا ذاتی هستند به نحوی بسط داده که نه تنها شامل موجودات فاقد عقل بلکه همچنین شامل موجودات هوشمندی غیر از انسان‌ها گردد. برخلاف کانت که ادعا می‌کند «حیوانات صرفاً ابزارهایی برای غایتی هستند که آن غایت نیز انسان است»^۶ ریگان این کار را با توضیح تمایز بین فاعل‌های اخلاقی^۷ (کسانی که می‌توانند قضاوت‌های اخلاقی و عقلانی داشته باشند) و بیماران اخلاقی^۸ (کسانی که به‌رغم آن‌که نمی‌توانند چنین تصمیماتی بگیرند مستحق رفتار به مثابه غایت‌اند) توضیح می‌دهد. در حالی که طبق نظریه کانت نیازی نیست که با بیماران اخلاقی (عقب‌ماندگان شدید ذهنی، اطفال و اشخاصی با ناتوانی عقلی) به مثابه غایت

1. natural rights 2. utilitarianism 3. *The Case for Animal Rights*

4. Categorical Imperative 5. absolute worth

6. Immanuel Kant, *Duties to Animals and Spirits*, as cited in Regan, *The Case for Animal Rights* (Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1983), 177.

7. moral agents 8. moral patients

رفتار شود، ریگان این موضع او را غیرقابل قبول می‌یابد. از این رو، اگر بپذیریم که فاعل‌های اخلاقی و بیماران اخلاقی مستحق احترامی اساسی هستند که در مفهوم حقوق به نحو ضمنی نهفته است، ریگان استدلال می‌کند که بیماران اخلاقی غیرانسانی (حیوانات) نیز باید در مقولهٔ کسانی قرار بگیرند که مستحق رفتار به مثابهٔ غایت‌اند. خلاف این استدلال گونه‌پرستی^۱ است که همچون جنسیت‌پرستی^۲ و نژادپرستی^۳، یک گروه (انسان‌ها، مردها، سفیدها، آریایی‌ها) را بر گروه‌های دیگر برتری می‌دهد.^۴ رفتار با حیوانات به مثابهٔ غایات و وظیفه‌ای اخلاقی است و مربوط به عدالت و نه مهربانی.^۵ طبق نظر ریگان، کسانی که واجد «ارزش ذاتی» هستند باید واجد آگاهی درون‌ذهنی^۶ یا نوعی از آگاهی پیچیده‌ای باشند که در پستانداران بالغ قابل مشاهده است.^۷

نمایندهٔ دیدگاه فایده‌باورانه در خصوص حیوانات پیتر سینگر است. او این موضع خود را در کتاب تأثیرگذارش یعنی همین کتاب پیش رو، آزادی حیوانات، و به تاسی از کتاب جرمی بنتام با نام درآمدی بر اصول اخلاق‌ها و قانونگذاری^۸ بسط داده است. فرض اساسی بنتام این است که وجه مشترک انسان‌ها با حیوانات حساسیت^۹ یا توانایی احساس درد و تجربهٔ لذت است. در عبارات سینگر، «توانایی رنج کشیدن و لذت بردن پیش شرط داشتن منافع است.»^{۱۰} برای مثال، یک تکه سنگ منفعتی در این‌که بدان لگدی زده نشود ندارد، در حالی که یک موش چنین منفعتی دارد زیرا واجد توانایی درد و لذت است. طبق ادعای سینگر، «هیچ توجیه اخلاقی‌ای برای نادیده گرفتن رنج آن موجود وجود ندارد. اصل توجیه برابر به منافع مستلزم توجه برابر به رنج هر موجود دیگری است.» به بیان کوتاه، «درد و رنج بدن و صرف‌نظر از نژاد، جنس، یا گونهٔ موجودی که رنج می‌کشد باید از آن پیشگیری شود یا به حداقل برسد.»^{۱۱} نظریهٔ آزادی حیوانات از دیدگاه فایده‌باورانه در مقایسه با رویکرد مطلق‌گرایانه^{۱۲} ریگان که تحت هیچ

1. speciesism 2. sexism 3. racism 4. *Ibid.*, 155. 5. *Ibid.*, 280.

6. subjective 7. *Ibid.*, 243.

8. *Introduction to the Principles of Morals and Legislation* 9. sentience

10. Singer, *Animal Liberation* (New York: Avon, 1975) p. 8. 11. *Ibid.*, 8, 18.

12. absolutist

شرایطی رنج حیوانات را مجاز نمی‌داند از انعطاف بیشتری برخوردار است. به طور مثال، سینگر اصرار دارد بر این‌که آگاهی از نتایج می‌تواند و باید ارزیابی سرنوشت یک موجود را تحت تأثیر قرار دهد. او در جایی می‌گوید که اگر رنج یک حیوان به درمان همهٔ آشکال سرطان کمک کند، آن رنج موجه خواهد بود.^۱ طبق نظر او، «منافع^۲ مشابه، صرف‌نظر از گونه‌های درگیر، باید به شکلی برابر به شمار آید. از این رو، اگر رویهٔ آزمایش به یک اندازه به یک خوک و یک انسان آسیب بزند، و نتایج وارد دیگری نیز وجود نداشته باشد، گفتن این مطلب خطاست که ما باید از خوک به این دلیل استفاده کنیم که رنج آن کمتر از رنج انسان است.»^۳ در نهایت باید به این مطلب توجه شود که هرچند ریگان و سینگر در مقام نظر اختلافات بسیاری دارند، اما مواضعشان در مقام عمل یکسان است: هر دو مخالف آزمایش روی حیوانات، بهره‌کشی از حیوانات به منظور خوراک و پوشاک، دامداری صنعتی، تله‌گذاری، شکار، سوارکاری و سیرک‌ها هستند.

در حالی که ریگان و سینگر در نظریات خود دربارهٔ حقوق حیوانات بر عنصر «عقلانیت» بسیار تأکید دارند، در نقطهٔ مقابل، ما با دیدگاه‌های فمینیستی در این باره مواجهیم، که می‌کوشند به جای «عقلانیت» بر «احساس»، «عاطفه» و «محبت» در مناسبات ما با حیوانات و محیط‌زیست تأکید گذارند. تأکید ریگان بر عقلانیت را می‌توان در این عبارات او مشاهده کرد که «از آن‌جا که همهٔ کسانی که به نیابت از منافع حیوانات کار می‌کنند با اتهام کهنهٔ غیر معقول،^۴ احساسی و عاطفی، بودن یا اتهاماتی بدتر مواجه‌اند، می‌توانیم این اتهامات را تنها با تلاشی گروهی به منظور غرق نشدن در عواطفمان یا به نمایش نگذاشتن احساساتمان رد کنیم. و آن مستلزم تعهدی همیشگی به پژوهش عقلانی است.»^۴ و همچنین «عقل – نه حس، نه عاطفه – و عقل ما را به تشخیص ارزش ذاتی برای حیوانات و حق برابرشان برای رفتاری توأمان با احترام و ادب می‌کند.»^۵ تأکید سینگر بر عقلانیت را نیز می‌توان در این گفته‌های وی از کتاب آزادی حیوانات مشاهده کرد

1. Singer, "Ten Years of Animal Rights Liberation" in *New York Review of Books* (January 17, 1985) p. 48. 2. interests 3. *Ibid.* 4. Regan, *ibid.* xii. 5. Tom Regan, "The Case for Animal Rights," in *In Defense of Animals*, ed. Peter Singer (New York: Blackwell, 1985), 24.

که «در هیچ کجای این کتاب به عواطف خواننده متوسل نمی‌شوم مگر این‌که عقل بر آن تأکید کند.»^۱ و همچنین «گرچه توجیه نهایی برای مخالفت با هر دو نوع این آزمایش‌ها امری عاطفی نیست، بلکه توسلی است به اصول اساسی اخلاق که همه ما می‌پذیریم، و عقل است که خواستار اطلاق این اصول به قربانیان هر دو نوع آزمایش‌ها می‌شود، نه احساس.»^۲ از نظر متفکران فمینیست، این دو رویکرد تمایل ذاتی شان را در قبال عقل‌گرایی^۳ آشکار می‌کنند که به شکل متناقضی در شکل عینی‌گرایی دکارتی،^۴ توجیه نظری اصلی‌ای را به نفع سوءاستفاده از حیوانات فراهم کرده بود. از نظر آن‌ها عقل‌گرایی مورد باور ریگان و سینگر همانی است که نهایتاً سر از «عقلانیت علمی» و مردانه‌ای درمی‌آورد که منجر به بهره‌کشی و سوءاستفاده از حیوانات می‌شود.

نظریه‌پردازان زن عرصه حقوق حیوانات به نظر حسی از پیوند عاطفی بیشتری با حیوانات را به مثابه مبنای نظریه خود در مقایسه با آنچه در ادبیات مردانه آشکار است توسعه داده‌اند. به طور مثال، ماری میجلی، نظریه‌پرداز معاصر دیگری در این زمینه، اصرار دارد بر این‌که «آنچه باعث می‌شود موجوداتی که در وجود با ما شریک‌اند مستحق توجه اساسی باشند نه توانایی عقلی بلکه شراکت عاطفی است.» حیوانات «آن نوعی از پیچیدگی اجتماعی و عاطفی را به نمایش می‌گذارند که با شکل‌گیری روابط عمیق، ظریف و ماندگار بیان می‌شود.»^۵ کونستانیا سلامون، یکی از فعالان برجسته فمینیست حقوق حیوانات، بی‌پرده تمایل عقل‌گرایانه و مردانه^۶ نظریه جاری حقوق حیوانات را محکوم می‌کند.^۷ در قرن نوزدهم، فعالان زن جنبش ضدیت با زنده‌شکافی،^۸ همچون فرانسیس پاور کوبه،^۹ «ماده‌گرایی»^{۱۰} خشک عقلی علم را که خیر از تهدید به «سرد کردن حساسیت و عاطفه انسانی می‌داد دشمن خود در نظر

1. Singer, *Animal Liberation*, xxii. 2. *Ibid.* 3. rationalism

4. Cartesian objectivism

5. Mary Midgley, "Persons and Non-Persons," in *In Defense of Animals*, 60.

6. masculinist 7. Constantia Salamone, xeroxed form letter, July 1986.

8. anti-vivisection 9. Frances Power Cobbe 10. materialism

گرفتند. ضدیت با زنده‌شکافی از قلب و روح انسان در مقابل قرار گرفتن در دستان علم بی‌عاطفه محافظت می‌کرد.^۱

نظریاتِ فمینیستیِ حقوق حیوانات از طیف گسترده‌ای برخوردارند. اما آنچه در اکثر آن‌ها به چشم می‌خورد عبارت است از نقد عقلانیتِ موسوم به «عقلانیت مردانه» و تلاش برای نشان دادن عاطفه و احساس به جای آن به عنوان «مشی‌ای زنانه». این‌که عقلانیتِ موردِ باور سینگر و ریگان نهایتاً تا چه اندازه از همان جنسِ عقلانیتِ دکارتی و علمی است که نهایتاً بهره‌کشی و سوءاستفاده از حیوانات را مجاز می‌سازد بحثی است که در این مقال نمی‌گنجد. اما نباید چند نکته را فراموش کنیم. یکی این‌که مشخص نیست که چگونه می‌توان دیدگاه انتقادی‌ای را که سینگر در قبال دیدگاه علمی و همچنین نگره‌روشنگری – به ترتیب در فصل‌های دوم و پنجم و همچنین جای‌جای کتاب – اتخاذ کرده است، بر این اساس توجیه کرد. همچنین در صورتی که این فرض را درست بدانیم، مشخص نیست که چطور درونِ همان بسترِ عقلانیتِ علمی، نگره‌هایی علیه خودِ این نوع از عقلانیت شکل گرفته‌اند که به لحاظ عملی نتایج شگفت‌انگیزی در زمینه حقوق حیوانات بر جای گذاشته‌اند. دوم این‌که اصولاً نمی‌توان دیدگاه علمی را ذاتاً و مطلقاً امر نادرستی تصور کرد. چه همین دیدگاه علمی پرده از حقایق بسیاری در خصوص جهان حیوانات و خویشی نزدیک ما با آن‌ها، شواهد به نفع حساس بودن آن‌ها، بسیاری از نیازهای غریزی‌شان که باید برآورده شود و مسائلی از این دست برداشته است، که سینگر هم به جای خود در تأیید نظرهایش از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند. شاید مسئله اصلی در مقید کردنِ علم افسارگسیخته به اخلاق باشد که مانع آن در بهره‌برداری‌های بی‌حد و حصرش گردد. دیگری و به ویژه در خصوص سینگر این‌که، توسل به عقلانیت به معنای نفی عاطفه و احساس به مثابه امری غیرقابل قبول از ناحیه او نیست. علاوه بر در نظر گرفتن حساسیت یا تواناییِ احساس درد و لذت، به مثابه معیاری که بر

1. Quoted in James Turner, *Reckoning with the Beast: Animals, Pain and Humanity in the Victorian Mind* (Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1980), 101, 103.

اساس آن می‌توان مشخص کرد کدام موجود منافع دارد، (در فصل ششم همین کتاب) سینگر در خصوص توسلش به معیار عقلانیت چنین می‌گوید:

محور اصلی این کتاب این مدعاست که تبعیض علیه موجودات صرفاً به دلیل گونه‌ای که بدان تعلق دارند شکلی از پیش‌داوری است که به همان نحوی غیراخلاقی و غیرقابل دفاع است که تبعیض بر مبنای نژاد ... به نفع آن استدلال کرده‌ام، و در این راه به عقل متوسل شده‌ام و نه عاطفه یا احساس. این مسیر را نه به این دلیل برگزیده‌ام که از اهمیت عواطف انسانی و احساسات احترام به موجودات دیگر ناآگاهم، بلکه به این دلیل که عقل در توسل خود جهان‌شمول‌تر و متقاعدکننده‌تر است. همچنان که تحسینگر آن دسته از کسانی هستم که گونه‌پرستی را از زندگی‌های خود صرفاً به خاطر توجه همدلانه‌شان به دیگران به تمامی موجودات حساس گسترش می‌دهند، فکر نمی‌کنم که توسل به همدلی^۱ و خوش‌قلبی به‌تنهایی اکثر کسانی را که درگیر اشتباه گونه‌پرستی هستند قانع کند....^۲

در نهایت نباید از این نکته غافل شویم که حتی فمینیست‌های مدافع حیوانات نیز به‌رغم مخالفت‌های نظری با مواضع ریگان و سینگر، نهایتاً از حیث عملی به همان نتایج مورد باور آن‌ها باور پیدا خواهند کرد. اخلاق فمینیستی حقوق حیوانات نیز با گوشه‌تخواری، کشتن حیوانات برای پوشاک، شکار، پوست و خز (در شکل کالاهای لوکسی که زنان استفاده می‌کنند)، سوارکاری، سیرک‌ها، پرورش انبوه، استفاده در آزمایشگاه‌ها برای آزمایش فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی، تجهیزات نظامی، آزمایش‌های روان‌شناختی و غیره (که می‌توان از روش‌های جایگزین استفاده کرد) مخالف است؛ و این گرایش، تخریب بیشتر تالاب‌ها، جنگل‌ها و سکونتگاه‌های طبیعی را محکوم و برای پیشگیری از آن تلاش می‌کند.^۳

1. sympathy

۲. بنگرید به صفحه ۴۴۰ همین کتاب.

۳. بخش عمده این قسمت، و همچنین بیشتر ارجاعات به متون اصلی، برگرفته‌ای است از مقاله زیر

Josephine Donovan, "Animal Rights and Feminist Theory," in *Ecofeminism, Women, Animals, Nature*, ed. Greta Gaard (Temple University Press, 1993, Chapter 7 pp. 167–194).

وضعیت حقوق حیوانات در ایران

به منظور بررسی وضعیت حقوق حیوانات در ایران، آنچه باید به آن توجه کنیم قوانین در این باره است. باید ببینیم که چه قوانینی در کشور به منظور حمایت از حقوق حیوانات وجود دارد، و این که آیا این قوانین، در صورت وجود، توانسته اند انتظارات را برآورده سازند یا خیر؟

با نگاهی به قوانین موجود در خصوص حقوق حیوانات، می توان آن ها را به دو بخش تقسیم کرد. یکی حقوق حیوانات در قانون مدنی است که سابقه تصویب این قوانین به سال ۱۳۰۷ برمی گردد. و دسته دوم حقوق حیوانات در قانون مجازات اسلامی است که در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسیده است. اگر منظور ما از «حقوق حیوانات»، آن دسته از حقوقی باشند که ناظر به خود حیوانات باشد و نه ناظر به سود یا ضرری که در این باره متوجه انسان هاست، در خصوص قوانین دسته اول، و حتی دسته دوم، مطلقاً چیزی به اسم «حقوق حیوانات» را نمی توان یافت. تمامی مواد قانونی در این خصوص ناظرند بر حقوق انسان ها. و این قوانین به غایت «انسان نگارانه» و در مواردی در تضاد با حقوق حیوانات در مقام موجوداتی حساس و صاحب دردند. توجه شما را به چند مورد از آن ها جلب می کنم:

- ماده ۱۷ – حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو و گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توفیق اموال جزو ملک محسوب و در حکم مال غیر منقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری، زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است.
- ماده ۱۷۹ – شکار کردن موجب تملک است.
- ماده ۱۸۰ – شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد موجب تملک نمی شود.
- ماده ۱۸۱ – اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند زنبور عسلی که در آن جمع می شوند ملک آن شخص است همین طور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود.
- ماده ۵۰۸ – در موردی که منفعت به بیان مدت اجاره معلوم شود تعیین راکب یا

محمول لازم نیست ولی مستأجر نمی‌تواند زیاده بر مقدار متعارف حمل کند و اگر منفعت به بیان مسافت و محل معین شده باشد تعیین راکب یا محمول لازم است.

همان‌گونه که در ماده ۱۷ این قوانین ملاحظه می‌شود، حیوانات هم‌ردیف ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی جزو مال غیرمنقول حساب شده و حیواناتی همچون گاو در ردیف تلمبه یا ابزارآلات دیگر قرار گرفته‌اند. شاید تنها ماده‌ای که اندکی حال و هوای رعایت حقوق حیوانات را داشته باشد ماده ۵۰۸، در خصوص بارکشی بیش از اندازه از حیوانات است، که قانون به موجب این ماده، شخص اجاره‌کننده را از این کار منع می‌کند. هرچند نباید فراموش کنیم که این کار به موجب آن‌که نقض حقوق صاحب حیوان تلقی می‌شود، و به نوعی آسیب به مال او، نهی شده است. قوانین دیگری هم که ملاحظه می‌کنید همه در مورد حقوق انسان‌هاست، و دعوی‌های مربوط به مالکیت، که موضوع آن‌ها در این جا حیوانات است. قوانین موجود دیگر در این مجموعه نیز بر همین منوال‌اند.

اما در خصوص قوانین مجازات اسلامی در خصوص حیوانات، وضعیت به مراتب بهتر از قوانین دسته نخست است. هرچند در این قوانین هم اشاره مستقیمی به حقوق حیوانات نشده است، برخی مواد موجود در آن می‌توانند در راستای حمایت از حیوانات استفاده و بهره‌برداری شوند:

● ماده ۳۵۷ - صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می‌داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل‌انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده‌دار می‌باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آن‌که آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده‌دار خسارتش نیست.

● ماده ۳۵۸ - هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفع‌کننده ضامن نمی‌باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم به عنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف و یا آسیب او شود عهده‌دار نخواهد بود.

○ تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع، بیش از مقدار به آن آسیب وارد شود شخص آسیب‌رساننده ضامن می‌باشد.

- ماده ۳۵۹ - هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک، حیوانی به حیوانی دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد.
- ماده ۳۶۰ - هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحبخانه ضامن می باشد، خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحبخانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند.
- ماده ۳۶۱ - هرگاه کسی که سوار حیوان است حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارت هایی است که آن حیوان وارد می کند.
- ماده ۳۶۲ - هرگاه کسی حیوانی را بزند و به آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید، آن شخص زنده عهده دار خسارت های وارده خواهد بود.
- ماده ۶۷۹ - هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی را که شکار آن ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- ماده ۶۸۰ - هرکس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- ماده ۶۸۸ - هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زیاله در خیابان ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.
- تبصره ۱ - تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.
- تبصره ۲ - منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

این‌ها تمامی قوانین مجازات اسلامی دربارهٔ حیوانات است. شاید مواردی که بتوان از آن‌ها برای دفاع از حیوانات بهره برد مواد ۳۵۷، و خصوصاً ۳۶۲، ۶۷۹، ۶۸۰ و ۶۸۸ باشد. در مورد مواد ۳۵۷ و ۳۶۲، هرچند در متن قانون عنوان شده که فرد آسیب‌زنده عهده‌دار خسارت، و تلفات وارد شده به حیوانی است که بر اثر اهمال یا سهل‌انگاری او کشته یا دچار خسارت شده، اصلاً مجازات چنین افرادی تعریف نشده است و همین امر جا را برای نقض حقوق حیوانات و آرایه‌ای که از قاضی‌ای به قاضی دیگر متفاوت است باز می‌گذارد. یک نمونه در این باره ماجرای فردی در استان فارس است که پس از خالی کردن بنزین روی الاغی که وارد مزرعه او شده و اقدام به خوردن محصول کاهوی او کرده بود الاغ را زنده زنده می‌سوزاند. دادگاه ابتدا فرد را محکوم به ۵۰ ضربه شلاق کرد که این حکم او نیز نهایتاً و به دلیل این‌که شخص خاطی سابقهٔ کیفری نداشت به حکم «مجازات جایگزین اولاً نسبت به فراگیری بیست حدیث از معصومین با مضامین مهربانی با حیوانات و رفتار شایسته با آن‌ها، ثانیاً خودداری از کاشتن کاهو در مزرعه به مدت یک سال و ثالثاً نگهداری از یک رأس الاغ بلاصاحب به مدت سه ماه و به عهده گرفتن تغذیهٔ وی»^۱ تقلیل یافت! از دلایل این‌که چرا تا این اندازه با شخصی که چنین خشن انجام داده مدارا می‌شود یکی همین نبود قانون مناسب و مشخص به منظور برخورد با افرادی از این دست است؛ قوانینی که حتی الامکان راه چنین مداراهایی را با چنین اشخاصی مسدود سازند. از نمونه‌های دیگر در این خصوص می‌توان به سگ‌کشی‌های سازماندهی شده و گستردهٔ شهرداری‌ها اشاره کرد که در بخش بعدی به شکل مفصل‌تری بدان خواهیم پرداخت.

اما نکتهٔ عجیب و خلأیی که در این قوانین به چشم می‌خورد این است که در حالی که قانونگذار در خصوص شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده به نحو مشخص حکم و جریمه صادر کرده است (که خود ارزشمند است)، در خصوص رفاه حیوانات دامداری‌ها (شامل گاو، گوسفند، الاغ، انواع

۱. «جالب‌ترین احکام قضایی ایران!»، خبرگزاری مهر، ۲۴ فروردین ۱۳۹۵.

طیور و... و مواردی همچون حمل و نقل و کشتار، نحوه برخورد با حیواناتی مثل سگ، گربه و انواع گونه‌های دیگر که به نوعی با انسان‌ها ارتباط مستقیم دارند و همین انسان‌ها ناقضان اصلی و گسترده حقوق آن‌ها به شمار می‌روند، هیچ حکم مشخصی یافت نمی‌شود. اصلاً مشخص نیست که مبنای این تفاوت‌گذاری در تمایز قائل شدن به منظور مشخص ساختن جرم برای وحوش و حیوانات مذکور در چیست. مگر نه این‌که سگ‌ها، گربه‌ها، گاوها، گوسفندها، بزها و حیوانات اهلی دیگر همان‌قدر حساس و مستعد رنج کشیدن‌اند که آهوها، پلنگ‌ها، بزهای کوهی و جانوران دیگری از این دست؟ و بالاتر این‌که، مگر نه این‌که همه این حیوانات همان‌قدر حساس و رنجورند که انسان‌ها؟ پس چرا باید درد و رنج انسان‌ها قدر نهاده شود اما هیچ قانون مناسب و مشخصی برای ارج نهادن و توجه به درد حیوانات به شکل مدون و مشخص تدوین نگردد؟

این نکته را نباید فراموش کنیم که وقتی درباره امر مشخصی قانونی وجود دارد، کم نیستند مواردی که قانون در آن مورد خاص، بنا به دلایل بسیاری همچون نبود ضمانت اجرایی مناسب، به درستی اجرا نمی‌شود. حال موردی همچون حقوق حیوانات را در نظر بگیرید که اصلاً قانون مشخصی درباره بهره‌کشی و سوءاستفاده از آن‌ها به درستی تعریف نشده است. در چنین شرایطی راه برای انواع سوءاستفاده‌ها و حیوان‌آزاری‌ها باز خواهد بود.

در فصل‌های دوم و سوم همین کتاب - در ضمن بحث نویسنده در خصوص رویه‌های خشنی که ما انسان‌ها به انحاء گوناگون در مورد حیوانات پیش می‌گیریم - کوشیدم به نحو مشخص‌تر و در قالب پاورقی‌های نسبتاً مفصلی، وضعیت کشورمان را هم، به‌رغم نبود منابع چندانی، در آن موضوع مورد بحث قرار دهم که به‌نحوی به وضعیت قانونگذاری در حوزه حقوق حیوانات مربوط می‌شود، که از ذکر مجدد آن موارد در این‌جا خودداری می‌کنم. این موارد عبارت‌اند از: وضعیت قوانین در حوزه رفاه حیوانات دامداری‌ها و کشتارگاه‌ها و وضعیت قوانین در خصوص آزمایش روی حیوانات.^۱

۱. در نوشتن این قسمت، مقاله ذیل هم ایده‌هایی به من داد:

حیوان‌آزاری‌های ما

جای تأسف دارد که تقریباً هر قوم و ملتی را می‌توان با نوع خاصی از حیوان‌آزاری‌اش مشخص کرد: قتل‌عام دلفین‌ها و وال‌ها در ژاپن، سگ‌خواری در کره و چین، شکنجه و کشتار گاوها در بدترین شکل آن در هند به منظور تهیه چرم، وادار ساختن سگ‌ها به منظور انجام دادن مبارزاتی خونین در افغانستان، مراسم سالیانه کشتار آیینی گوسفندان در عربستان، کشتار فیل‌ها و کرگدن‌ها در آفریقا به منظور تجارت عاج، مسابقات گاو‌بازی در اسپانیا، پرورش غازهایی با جگر چرب با زورخوران کردنِ مقادیر انبوهی از خوراک با دستگاه‌های خشن به منظور فراهم آوردن خوراکی موسوم به «جگر چربِ غاز»^۱ در فرانسه، قتل‌عام سالیانه فُک‌ها در کانادا و... این در حالی است که در کنار این رویه‌های خاص و سرکوبگرانه ملل گوناگون در مورد حیوانات، در همه کشورهای رویه‌های کلی سرکوب و وارد ساختن درد و رنج به حیوانات به مثابه سیستمی جهان‌شمول جریان دارد؛ رویه‌هایی همچون پرورش انبوه حیوانات برای خوراک، پوشاک، سرگرمی، انجام آزمایش‌های گوناگون، و... اما درباره ایران چطور؟ رویه‌های منحصر به فرد سرکوب حیوانات از ناحیه ما کدام‌اند؟ متأسفانه، در کشور ما نیز کم نیستند رویه‌های حیوان‌آزاری‌ای که به صورت گسترده و در قالب سنت و فرهنگِ اعمال می‌شوند. از آن میان می‌توان به قتل‌عام گسترده همه‌ساله ماهیانِ قرمز با شروع فصل بهار و آغاز سال نو، سگ‌کشی به صورت گسترده و سازماندهی شده و خرید و فروش جوجه‌های رنگی همراه با آغاز فصل بهار و تابستان و موارد بی‌شمار دیگری اشاره کرد.

همه‌ساله با آغاز فصل بهار و سال نو آنچه در همه‌جا و در کنار دیگر وسایل سفره هفت‌سین جلب توجه می‌کند فروش ماهیان قرمز در آشکال و اندازه‌های مختلف و در فروشگاه‌ها و مغازه‌های گوناگون و به دست افراد مختلف، از پیر گرفته تا جوان، است. سوای این‌که ماهی قرمز چگونه به سفره هفت‌سین ایرانیان

→ رزاق خوشبایری حاجی‌بابا و علی مجدلی، «حمایت از حیوانات در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز ۱۳۹۲.

راه یافته، از بقال و میوه‌فروش گرفته تا گل فروش، رستوران‌دار و... همه به نوعی سهمی در فروش این موجودات زبان‌بسته دارند، بدون آن‌که اندک تخصص و مهارتی در مورد شرایط نگهداری، خورد و خوراک و بیماری‌های آن‌ها داشته باشند. طبق گزارشی از روزنامه همشهری، «سالانه بیش از ۲۵ میلیون قطعه ماهی قرمز برای مراسم نوروز در سطح کشور پرورش داده می‌شود. از این رقم بین چهار تا پنج میلیون قطعه آن‌ها از اواسط اسفند تا پایان تعطیلات نوروزی جان خود را از دست می‌دهند.»^۱ بر اساس همان گزارش، مهرناز عطری دارای دکترای محیط‌زیست از دانشگاه لندن و مدیرگروه انجمن زیست‌محیطی مهر ایران، که سال‌ها دربارهٔ آبریان از جمله ماهی قرمز، لاک‌پشت، مارماهی و... تحقیق کرده است، در این باره این‌گونه توضیح می‌دهد:

هر سال وقتی به ماه پایانی سال نزدیک می‌شویم فعالیت جدی پرورش‌دهندگان ماهی قرمز در حوضچه‌ها و استخرهای خاکی و غیراستاندارد، غیربهداشتی و با آب‌های آلوده آغاز می‌شود... این حیوانات از محیط خود با استفاده از کیسه‌ها، جعبه‌ها و دبه‌های آلوده به کود یا سم و وانت‌هایی که پشت وانت‌ها با استفاده از نایلون به صورت حوضچه درآمده به شهر منتقل می‌شوند. ماهی‌ها به دلیل شرایط نادرست پرورش و نقل و انتقال و تکان‌های شدید اغلب سکنه کرده و بیمار می‌شوند. تعداد قابل توجهی از آن‌ها در راه می‌میرند. ماهی‌های باقیمانده نیز هنگامی که به محل‌های توزیع می‌رسند از پشت وانت‌ها تخلیه شده و افرادی با سرعت اقدام به جداسازی آن‌ها بر اساس رنگ و اندازه می‌کنند. رفتار ناخوشایند اغلب فروشندگان و توزیع‌کنندگان با ماهی‌ها در مرحلهٔ دوم باعث مرگ تعداد دیگری از ماهی‌های قرمز می‌شود. رعایت نکردن شرایط بهداشتی در زمان پرورش، انتقال و عرضهٔ نادرست، تحمیل استرس به ماهی، تعویض نکردن به‌موقع آب و... از عواملی هستند که باعث زخمی و بیمار شدن یا سکنه و مرگ ماهی‌های قرمز می‌شوند. در مرحلهٔ سوم ماهی‌های بیمار و سکنه کرده و تعداد محدود دیگری که خوش‌شانس بوده و آسیبی ندیده‌اند به خانه‌های مشتریان می‌رسند. ماهی‌های قرمز بیمار و سکنه کرده در روزهای نخستین حضورشان در منزل مشتریان جان خود را از دست می‌دهند. ماهی‌های خوشبختی که

۱. نغمه دانش‌آشتیانی، «تجارت ماهی قرمز غروب کرد»، روزنامه همشهری، ۲۷ اسفند

تعدادشان نیز بسیار کم است به دست خانواده‌های مهربان و مسئولیت‌پذیری می‌افتند که از آن‌ها به خوبی نگهداری می‌کنند. این ماهی‌ها اغلب می‌توانند از نعمت عمر بیشتری برخوردار شوند ولی آمار نه‌چندان دقیق نشان می‌دهد که این ماهی‌ها به طور میانگین بیش از یک سال عمر نخواهند کرد. دلیل آن نیز می‌تواند دستکاری‌های ژنتیکی، دور بودن از محل طبیعی زندگی، استرس داشتن ماهی حتی هنگام شنیدن صدای بلند، آگاهی کامل نداشتن خریداران از شرایط درست نگهداری و... باشد.^۱

اما سرنوشت همه ماهیان قرمز تنها به این خلاصه نمی‌شود. آن دسته از ماهیانی که فروشندگان موفق به فروش آن‌ها نمی‌شوند یا به اصطلاح روی دستشان می‌ماند، سرنوشتی به مراتب غم‌افزاتر دارند. بسته به وجدان فروشنده، سرنوشت آن‌ها متفاوت خواهد بود. در همان گزارش از قول فروشنده‌ای می‌خوانیم:

روزانه ده تا بیست قطعه از ماهی‌های او می‌میرند؛ از طرفی با رسیدن به آخرین ساعات روز ۲۹ اسفند مجید ماهی‌ها را به قیمت خرید می‌فروشد و پس از تحویل سال نیز که دیگر کسی ماهی نمی‌خرد. او ماهی‌هایی را که روی دستش مانده‌اند هر جا که بتواند رها می‌کند و در اصل این بخش از سرمایه‌اش را از دست می‌دهد.^۲

این‌که فروشندگان این ماهی‌های اضافی را دقیقاً در کجا رها می‌کنند از فردی تا فردی دیگر متفاوت خواهد بود. اما دیدن صحنه‌ها و تصاویری از ماهیانی که به صورت انبوه در جوی آب، روی خاک و... خالی شده‌اند چیز اصلاً عجیبی نیست. چرا که ماهیان باقیمانده دیگر برای فروشندگان صرفه اقتصادی ندارند و به همین دلیل بی‌ارزش قلمداد می‌شوند و فروشندگان هم می‌خواهند خود را از وجودشان خلاص کنند.

آنچه از این گزارش برمی‌آید، نقش فعالی است که ما شهروندان ایرانی، دانسته یا ندانسته، در این زمینه ایفا می‌کنیم. اگر فروشندگان و تولیدکنندگان ماهیان قرمز هیچ تخصص و مهارتی در این زمینه ندارند، ما نیز این‌گونه‌ایم. بدون آن‌که اندک اطلاعاتی از شرایط نگهداری و بیماری این موجودات داشته

باشیم، بدون اندک فکری، و برای زیباتر شدن سفره هفت سینمان، یا برای تهیه یک اسباب بازی زنده و متحرک برای کودکان، اقدام به خریداری این موجودات حساس و ظریف می‌کنیم، و ضمن این‌که با عمل خریدمان سود کلانی را (دست‌کم در مورد سرشاخه‌های این تجارت) نصیب فروشندگان آن‌ها می‌کنیم، به استمرار و ماندگاری این رویه یاری می‌رسانیم، همچنان که تولید انبوه این موجودات همه‌ساله حاکی از این واقعیت است.

هرچند سازمان دامپزشکی کشور و نیز سازمان محیط‌زیست قوانینی در خصوص ممنوعیت قانونی فروش ماهیان قرمز از سوی دستفروش‌ها و مراکز غیرقانونی ابلاغ کرده‌اند، آنچه مشخص است اجرایی نشدن این قوانین است. گرچه قوانین موجود نه در جهت حمایت از حقوق حیوانات، بلکه در راستای منافع انسانی نگاشته شده‌اند، شاید اجرایی شدن این قوانین دست‌کم در کوتاه‌مدت باعث وارد شدن رنج کمتری به این موجودات حساس شود.

دیگر حیوان‌آزاری سازماندهی شده‌ای که بدان شهره گشته‌ایم، سگ‌کشی در مقیاسی کلان و از سوی نهادهای ذیربط، یعنی شهرداری‌هاست. آمار روشنی از تعداد سگ‌هایی که به دست شهرداری‌ها در سرتاسر کشور کشته می‌شوند در دست نیست اما شاید ذکر چند نمونه عمق فاجعه را نشان دهد. یکی از این آمارها مربوط می‌شود به کشتن نزدیک به ۸۰۰۰ سگ به دست شهرداری رفسنجان در استان کرمان. طبق گزارش روزنامه پیام مادر کرمان،

طی سال ۹۴ و سه ماه اول سال ۹۵ حدود ۸۰۰۰ سگ بلاصاحب در شهرستان رفسنجان معدوم شده‌اند. به طور دقیق‌تر سال گذشته ۷۰۳۰ و در سال ۹۵ تاکنون ۹۴۴ قلاده سگ از بین رفته است. این خبر را علی‌اکبر پورمحمدی شهردار رفسنجان به خبرگزاری ایسنا داده است.^۱

این در حالی است که ظاهراً این سگ‌ها به شیوه مرگ آسان هم کشته نشده‌اند. طبق اظهار نظر عمارلویی، یکی از دامپزشکان سازمان حفاظت محیط‌زیست،

خبر را در شبکه‌های اجتماعی دیده‌ام، اما جای سؤال است که چگونه توانسته‌اند ۸۰۰۰ قلاده سگ را بگیرند و معدوم کنند، چگونه عمل معدوم‌سازی

اتفاق افتاده است؟ زیرا روش مرگ آرام بسیار هزینه‌بر بوده و برای هر قلابه حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان هزینه دارد که شهرداری چنین رقمی را هزینه نمی‌کند، باید دید این تعداد سگ به چه روشی معدوم شده است و اساساً این آمار درست است یا خیر.^۱

همچنین خود شهردار رفسنجان نیز اشاره‌ای به نحوه کشتار این تعداد سگ ظرف مدت پانزده ماه نکرده و با توجه به اظهار نظر دامپزشک سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص هزینه‌بر بودن اجرایی کردن عمل مرگ آسان، و این که شهرداری چنین رقمی را هزینه نمی‌کند، می‌توان کشتار غیرانسانی این تعداد بسیار بالای سگ را بسیار محتمل دانست.

گزارش دیگری از روزنامه خراسان خبر از کشتن ۶۱,۰۰۰ سگ و سه میلیارد تومان هزینه ظرف مدت ده سال اخیر می‌دهد. در آن گزارش می‌خوانیم:

مهندس علی نجفی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد، در گفتگو با خراسان ضمن اعلام هزینه ۵۰ هزار تومانی معدوم‌سازی هر یک سگ شهری، از کشتار ۶۱,۰۰۰ سگ در ده سال گذشته خبر داد، آماری که با یک محاسبه ساده به قیمت امروز بیش از ۳ میلیارد تومان هزینه داشته اما به هیچ نتیجه قابل قبولی ختم نشده است.^۲

در همان گزارش از قول همین مقام مسئول می‌خوانیم:

نجفی تصریح کرد: سگ‌ها به روش مرگ با ترحم معدوم می‌شوند که از پیشرفته‌ترین روش‌های معدوم‌سازی حیوانات موذی است و مانند نقاط دیگر کشور از غذای مسموم یا سلاح گرم استفاده نمی‌شود زیرا این روش‌ها ممکن است مشکلات امنیتی و بهداشتی در پی داشته باشد.^۳

همان‌گونه که می‌بینیم، روش‌های مرسوم در دیگر قسمت‌های کشور، طبق گفته این مقام مسئول، کشتن سگ‌ها با سلاح گرم یا غذای مسموم است که البته در

۱. روزنامه شهروند، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.

۲. به نقل از وبسایت دیده‌بان حقوق حیوانات: www.arw.ir، همچنین در این باره بنگرید به خبر: «اعلان سگ‌کشی باید مجازات شوند»، خبرگزاری ایسنا، ۳۰ فروردین ۱۳۹۴.

۳. همان.

این میان می‌توان به مواردی همچون کشتن سگ‌ها با تزریق اسید (همچون نمونه شیراز)، و بسیاری از موارد بی‌رحمانه دیگری هم اشاره کرد. در گزارش دیگری که نزدیک به دو سال بعد روزنامه خراسان منتشر کرد، خبرنگار همراه با فردی که پرده از اسرار سوله‌های نگهداری سگ‌های خیابانی در این شهر برمی‌دارد، به منظور بررسی صحت و سقم فیلم‌های موجود در این باره و برای تهیه گزارش، به همراه یک عکاس و فردی که این اطلاعات را در اختیارش قرار داده عازم آن محل می‌شود، و وضعیت را که مؤید تمامی صحنه‌هایی است که در فیلم مشاهده کرده این‌گونه گزارش می‌کند:

... با نگاهی که در را محکم چسبیده است تا داخل را مشاهده نکنیم، هم‌کلام می‌شوم و از او درباره روش معدوم‌سازی سگ‌ها سؤال می‌کنم. او با تکذیب تمام حرف‌هایی که در فیلم زده است، می‌گوید: با آمپول سگ‌ها را می‌کشند و البته از دهانش درمی‌رود که یک آمپول را در یک بطری بزرگ نوشابه می‌ریزند و آن را پر از آب می‌کنند و بعد به قلب سگ‌ها می‌زنند ... قسمتی از سوله با دیوار جدا شده است که از داخل آن صدای زوزه‌های خیلی ضعیف به گوش می‌رسد. از راهنما می‌پرسم این صدای چیست؟ می‌گوید صدای توله‌های تازه متولد شده است که داخل اتاق با مادرشان هستند، به داخل اتاق می‌رویم یک سگ و چند توله که به‌زور چشم‌هایشان را باز می‌کنند داخل اتاق هستند. اتاق‌هایی بسیار کثیف که از شدت بوی تعفن حتی یک دقیقه هم نمی‌شود آن را تحمل کرد. به اطراف نگاه می‌کنم. همان جعبه یا اتاق گاز را که در فیلم دیده بودم روی زمین است که راهنما نیز آن را تأیید می‌کند؛ در گوشه‌ای دیگر هم یک گاری کوچک که مانند یک جعبه چهارگوش دور آن بسته و یک طرف آن باز است، قرار گرفته که پیمانکار آن را اتاق گاز جدید که توسط چند دانشجو طراحی شده و به صورت آزمایشی به این محل آورده شده است، معرفی می‌کند ... در گوشه‌ای دیگر یک دستشویی کوچک قرار گرفته که داخل آن چند دستکش، یک سرنگ و یک بطری نوشابه بزرگ که در آن مایعی وجود دارد به چشم می‌خورد. از نگاهیان می‌پرسم این همان بطری است (مایع تزریق به قلب سگ) که با تکان دادن سر آن را تأیید می‌کند. از پسر پیمانکار سؤال می‌کنم داخل بطری چیست؟ او می‌گوید: «سولفات منیزیم» ... قصد خروج از سوله را داریم که وانت‌بار داخل آن توجهم را به خود جلب می‌کند، می‌خواهم در را باز کنم که ابتدا از این کار امتناع می‌کند اما وقتی اصرار می‌کنم، به‌ناچار یک لحظه در پایین کابین را باز می‌کند، ... لاشه یک سگ بزرگ سفیدرنگ پدیدار می‌شود ... داخل وانت دو لاشه سگ

قرار دارد که به پای یکی از آن‌ها یک سیم‌بکسل بسته شده است. دهان سگ‌ها کف کرده اما نشانی از خون و ضربه دیده نمی‌شود، پسر پیمانکار می‌گوید سگ‌های تصادفی هستند که ما لاشه آن‌ها را جمع کرده‌ایم لطفاً برای ما دردرس درست نکنید ...

از سوله بیرون می‌آیم و در خروجی مجموعه سؤال و جواب‌هایی بین ما و پسر پیمانکار رد و بدل می‌شود:

«سگ‌ها را با چه آمپولی معدوم می‌کنید؟»

«اول با کتامین آن‌ها را بی‌هوش می‌کنیم بعد به آن‌ها آمپول 'سولفات منیزیم'

تزریق می‌کنیم.»

«به کجای بدن حیوان آمپول را تزریق می‌کنید؟»

«به قلب سگ.»

«چرا به قلب، این کار بسیار درد دارد و باید طبق دستورالعمل تزریق وریدی

انجام شود.»

«تزریق به قلب راحت‌تر است.»

«آمپول‌ها را چند خریداری می‌کنید؟»

«از ناصر خسرو هر عدد را به قیمت هفت هزار تومان تهیه می‌کنیم.»

«چرا ناصر خسرو؟ همه داروخانه‌های مشهد آن را دارند. قیمت این آمپول تا

هفده هزار تومان است. آیا تاریخ‌گذشته استفاده می‌کنید؟...»

(سکوت)

از محل معدوم‌سازی سگ‌ها خارج می‌شویم و به طرف روزنامه حرکت

می‌کنیم. در راه ماجرای لاشه سگ‌ها [ی مشاهده شده در پشت وانت] را برای

شهروند همراه [که فیلم‌ها را از این محل تهیه کرده بود] تعریف می‌کنم و او

مدعی می‌شود [آن] سگ‌ها از گرسنگی و تشنگی تلف شده‌اند، اگر ما به بازدید

نمی‌آمدیم، خوراک سگ‌های گرسنه می‌شدند و گرنه دلیل نداشت که آن‌ها را

درون وانت بگذارند و در آن را نیز ببندند.^۱

این در حالی است که طبق دستورالعمل صادره از ناحیه وزارت کشور، سازمان

شهرداری‌ها و دهرداری‌های کشور با عنوان «دستورالعمل کنترل جمعیت

سگ‌های ولگرد» که در پاییز سال ۱۳۸۷ به شهرداری‌های شهرهای کشور ابلاغ

شده، سگ‌ها باید زنده‌گیری، درمان، عقیم‌سازی، اصلاح نژاد، نگهداری و در

صورت غیرمفید تشخیص داده شدن از سوی دامپزشک به شیوه مرگ آسان